

چگونه می توان

از همسر خوب

پدر خوبی بوجود آورد؟

از : دکتر جوئیس برادرز
متخصص مسائل خانوادگی

ترجمه : ایران مقدم

يك زن برای اینکه از همسرش پدر خوبی بسازد

بایستی در درجه اول مادری خوب و وظیفه شناس باشد

دوسالگی ادای مادر شدن را در میآورند در حالیکه
پسرها هرگز بفکر تقلید و ادا در آوردن رل پدرشان



خانم دکتر « جوئیس برادرز » یکی از
برجسته ترین کارشناسان مسائل خانوادگی در آمریکا
بشمار میرود او که برنامه های متعددی در
تلویزیونهای آمریکا اجرا کرده و مقالات زیادی در
مجلات معروف آنکشور نوشته است ، امسال جزو
ده نفر بانوی محبوب آمریکا انتخاب شد . زیرا
خدمات این بانوی کارشناس بخانواده های سراسر
جهان بسیار ارزنده و چشمگیر است او بتازگی نیز
کتابی انتشار داده که در آن به گوشه های زندگی
خانوادگی مردم پرداخته و آنرا مورد تفسیر قرار
داده است .

مقاله ای که می خوانید ، یکی از مقالات این
کتاب است که اخیراً در یکی از نشریات ماهانه
آمریکائی چاپ شده است . :

پدران خوب هرگز بدنیا نمی آیند ، بلکه بدست
همسران خوب تربیت می شوند . و این زنها هستند
که از همسران خوب پدران خوبی می سازند . شاید
برایتان خنده دار باشد که بگوئیم دختران از سنین



گاهی پدر بودن تنها بعد از بدنيا آمدن بچه برای يك مرد تفهيم می شود و اما عده ای از مردان هم از اولين روزهای بارداری همسرشان احساس پدری در خود کرده و برای قبول مسؤليت های آینده آماده میشوند اين قبيل مردان که در دوران بارداری حتی نفس کشیدن همسر خود را زیر نظر دارند بیشتر از ديگران حس وظیفه شناسی و مسؤليت در قبال فرزند خود می کنند و پدری خوب می شوند .

مردی که در تمام نه ماه بارداری نسبت بوضع مزاجی همسرش بی اعتناء باشد و تنها از بیمارستان خبر پیدا کند که پدر شده است هرگز نمی تواند يك پدر ایده آل بشمار رود .

زنها نسبت بفرزندانشان احساس مسؤليت می کنند : بسیاری از زنها وقتیکه از فرزند خود صحبت می کنند میگویند : مثلا بچه ام قرشته اما يك مرد وقتیکه از فرزندش صحبت می کند میگوید :



نیستند و اصلا فکر نمی کنند که دل پدر شدن را باید یاد گرفت .

دخترها از وقتیکه حرف زدن را یاد میگیرند با عروسک بازی و تروخشک کردن آن، دل مادر را بازی می کنند . همچنین در خانه دخترها همیشه خواهران و برادران کوچکتر خود را نگهداری می کنند . در حالیکه پسرها به تنها چیزی که توجه ندارند، دل پدر شدن است و متأسفانه در بیشتر خانواده ها تا می توانند مسؤليت پسرها را در کارهای خانه و نگهداری از بچه های کوچکتر خانه کمتر می کنند . و بهمين جهت يك مرد وقتیکه پدر می شود اصلا بد رستی نمیداند در قبال فرزندانش چگونه باید پدری کند ؟

فرزند شما چند سال دارد ؟

وقتیکه از اکثر پدرها سئوال می شود که فرزند شما چند سال دارد ؟ اول کمی مکث میکند و آنگاه میگوید : نمیدانم مثل اینکه بچه ام ٥ سال دارد !

بچه‌مان فرشته .

مخصوص تربیت بچه‌ها را در خانه در دسترس او بگذارد . با خانواده‌هاییکه فرزند دارند ترتیب معاشرت و رفت‌وآمد را بدهد. اینکار فرصت آنرا میدهد که پدران در باره فرزندان خود صحبت کنند و در تربیت آنها با هم تبادل نظر کنند .

هر پدر و مادر عاقلی در تربیت بچه‌ها سعی میکنند که هر دو با هم گام بردارند . هرگز یک مادر نباید فرزندش هنگامی که خطائی از او سرزد بگوید که : صبر کن پدرت بیاید او ترا تنبیه خواهد کرد . این طرز تربیت مال گذشته است . زیرا مادران نباید

یک مادر از همان روزهای اول تولد کودکش به خلق و خوی او آشنا شده و میدانند که فرزندش از چه چیز خوشش می‌آید در حالیکه بیشتر پدرها به‌ریزه کاری‌های اخلاق و روحیه فرزند خود ناآشنا هستند .

در روزهای اول تولد، بچه شروع میکند به خیره شدن در چهره مادر و پدر از این طریق است که او هویت سرد وزن را تشخیص میدهد . اگر در این زمان پدر وجود نداشته باشد بعدها بچه تصویر خوبی از یک مرد و یک پدر در ضمیر نخواهد داشت .

اگر پدری در دوران کودکی و نوجوانی فرزند خود، خوب بوی نرسد هرگز آن کودک نمی‌تواند در بزرگسالی الگوی کامل و بی نقصی از یک پدر باشد . زیرا هرگز مشاهده نکرده که یک پدر خوب چه صفاتی دارد و چگونه باید رفتار کند .

وظیفه مادران

یک زن می‌تواند روابط همسر و فرزند خود را تقویت کند و آنها را با هم صمیمی‌تر و مهری‌انتر سازد . از همان روزهای اول کودکی با دادن بچه به آغوش پدر و سفارش کردن بطری شیر او و یا تکان دادن گهواره ، زمینه‌ای برای آشنائی فرزند و پدر و دوستی آنها بوجود آورد . صحبت در باره شادیه‌ها و ناراحتی‌های کودک می‌تواند پدرها را بیشتر بوضع فرزندشان آشنا کند .

هر کودک نوزادی به صدای پدر و مادرش توجه خاصی دارد و آنها به شنیدن صداها و تشخیص زیر و بم آن بیشتر از بزرگسالان اهمیت میدهند . مخصوصاً که مادران از همان روزهای اول تولد شروع میکنند گرم و صمیمانه با فرزندشان به صحبت کردن در حالیکه پدرها بیش از ده دقیقه با فرزندان خود بسر نمی‌برند .

یک زن می‌تواند زیرکانه همسرش را برای پدر شدن تربیت کند . بدین ترتیب که کتابهای



تنها پدر را مسئول به فرزندشان معرفی کنند این روش نیز هرگز صحیح نیست که مادران فرزندان خود را از پدرشان می‌ترسانند .

مثلاً میگویند پدر حالش خوب نیست نزدیک او نشود .

بقیه در صفحه ۵۰

مشکلات خانواده درسال تحصیلی

وبرق نداشت، از پارچه‌ی وطنی کارخانه‌ی کازرونی-اصفهان و سرمان را با ماشین نمره‌ی سه از ته می‌زدند. مگر ما درس نمی‌خواندیم، مگر ما احساس نمی‌کردیم که باید شخصیت متمایزی برای خود بسازیم. اما تلاش‌ما در درس خواندن تمرکز می‌پذیرفت، نه در آرایش سرو صورت و زلف و لباسان. اگر آموزش دبستانی و دبیرستانی ملی بشود، به همان نحو که حتی در لیبرال‌ترین اقتصاد، این مرحله از آموزش

را ملی کرده‌اند و اختیارش را به بخش خصوصی نمی‌دهند، این‌گونه مسائل آشکار نمی‌شود که طرحشان نیاز به میزگرد داشته باشد.

آقای مدنی می‌گوید:

باید هر چیز ارزش و اعتبار نخستین خود را باز یابد که از آن جمله است موجودی بنام «بخشنامه» باور کنید آنقدر بخشنامه‌های ضد و نقیض صادر می‌شود که یک مدرسه نمی‌داند برابر دانش‌آموزان چه تکالیفی دارد من عقیده دارم که در باره‌ی این مسائلی که طرح شده و در

دستورکار این جلسه قرار گرفته باید جواب‌های مناسبی یافته شود و برود در قالب بخشنامه‌هایی که محکم باشد و بسی نقیض و همه مدارس روش واحدی را که وزارت آموزش و پرورش اتخاذ می‌کند دنبال کنند.

جلسه بدرازا کشیده، خانم آصفی ختم جلسه را اعلام می‌کند و از شرکت‌کنندگان در بحث می‌زگرد می‌خواهد که این گفت و شنود را در جلسه دیگری ادامه دهند.

چگونه می‌توان از همسر خوب

پدر خوبی بوجود آورد؟

بچه‌ها باید همیشه در کنار پدر و مادر خود باشند و دوری از یکی از آنها بچه را افسرده خاطر می‌کند.

پسرهای بزرگتر می‌توانند در خانه رل پدری را ایفا کنند و با قبول مسئولیت‌های کوچک و بزرگ برای پدر شدن آماده شوند. از نظر روانی رفتار پدر با مادر تأثیر زیادی در روی بچه‌ها می‌گذارد. پسرها می‌خواهند که نظیر پدرشان مردی بشوند شجاع و مهربان و دخترها می‌خواهند بیشتر از مادرشان توجه پدر را جلب کنند. یک پدر بهتر می‌تواند کمک کند تا دخترش زن کاملی بشود. یک زن برای اینکه از همسرش پدر خوبی بسازد بایستی در وهله اول خود مادر خوبی باشد و از زندگی خانوادگی لذت ببرد. برنامه‌هایی ترتیب دهد که پدر و فرزندان بیشتر با هم بسر برند و بیشتر بروحیه و خلق و خوی یکدیگر آشنا شوند بدین ترتیب تشکیل یک خانواده خوشبخت را بدهند.

دنباله رمزی معلم

دیگر دوستی داشتیم به نام جمشید اسفندیاری که بعدها به سپاهیان پیوست و تا درجه‌ی سرهنگی‌اش را به خاطر دارم. به درس عربی دل نمی‌داد و برای آنکه از شر سئوالات معلمان آسوده بماند در نیمکت‌های بیانه می‌نشست. یک روز رمزی صدایش کرد و پرسید: جمشید حروف دیگر. دوستی داشتیم به نام جمشید اندکی درنگ کرد و پهلو دستی به یاری‌اش شتالت و چون سئوال تکرار شد که جمشید حروف علیه چند تاست؟ دست‌پاچه گفت: سه تا! واو و الف و یای آنگاه فریاد رمزی معلم برخاست که: پس وای بر تو جمشید!

یکم مهرماه ۱۳۵۲